

پدیده چپ دستی و چپ دست ها  
بهرام گرامی  
ویراستار مشاور در دانشنامه ایرانیکا



بدن انسان آن قدرها که فکر می‌کنیم متقارن نیست. عدم تقارن داخلی که واضح است، قلب در سمت چپ و کبد در سمت راست قرار دارد و تقریباً در هر ده هزار نفر این وضعیت برعکس است. در ظاهر و از خارج نیز عدم تقارن وجود دارد که چندان محسوس نیست. به چهره دوستانتان خیره شوید، شکل این نیمه صورت با آن نیمه کمی فرق دارد. اگر تصویر یک نیم رخ را با کمک آئینه کامل کنیم و تصویر نیم رخ دیگر را نیز چنین کنیم، این دو تصویر کامل با هم مشابه نخواهند بود. غالباً هر کس با یک طرف صورت بیشتر می‌خندد و به هنگام تبسم لب به یک سمت بیشتر حرکت می‌کند.

معمولاً یک چشم ما بر چشم دیگرمان غالب است و این همان چشمی است که با آن در دوربین یا میکروسکپ نگاه می‌کنیم. برای آزمایش، یک دستتان را به جلو دراز کنید. هر دو چشم را باز نگاه دارید و نوک انگشت اشاره‌تان را با نقطه ساکنی مانند چراغ یا چوب پرده یا تابلو میزان کنید. حال یک چشم را ببندید و به آن نقطه نگاه کنید. بعد با چشم دیگر نگاه کنید. چشم غالب آن است که سرانگشت و آن نقطه را (مثل دو چشم) در یک امتداد ببیند.

بعضی‌ها "چپ پا" هستند و با پای چپ بهتر کار می‌کنند. با پای چپ راه رفتن را شروع می‌کنند و با آن بهتر لگد می‌زنند. در بازی فوتبال یا ساکر، مقابله با بازیکن چپ پا با راست پا تفاوت می‌کند. در رقص‌های دسته جمعی هم گاهی پاها با هم نمی‌خوانند و رقص به هم می‌ریزد.

در زبان انگلیسی، چپ دست را *left-hander* و به عنوان صفت برای شخص *left-handed person* می‌گویند و آن کسیست که یا از روی عادت یا برای آسانی از دست چپ بیشتر استفاده می‌کند. از جمله نشانه‌های چپ دستی یا راست دستی می‌توان از بلند کردن دست در کلاس، پرتاب کردن توپ، مسواک زدن، شانه کردن، چکش زدن، آب دادن پای گیاه و دوختن نام بُرد. دست دادن با دست راست برای همه یکسان است و دلیل اولیه‌اش را چنین گفته‌اند که در هنگام ملاقات و رویارویی هیچ یک از دو نفر کارد یا دشنه‌ای در دست (راست) نداشته باشد تا ضربه‌ای بزند. فقط چپ دست‌ها می‌توانستند با دست راست دست بدهند و با دست چپ ضربه مؤثر را وارد کنند و از این رو چپ دست را مترادف با شرور و ناجور می‌گفتند.

در قدیم چپ دستی را عیب و علت می‌دانستند. زمانی یک مرد ژاپنی حق داشت زن چپ دستش را طلاق بدهد. اسکیموها فکر می‌کردند که چپ دست‌ها جادوگرند. در زبان لاتینی چپ را *sinister* می‌گویند که به معنای شوم و نحس و بدیمن است. در زبان فرانسوی برای هر دو واژه چپ و ناشی کلمه *gauche* به کار می‌رود و در زبان آلمانی کلمه *linkisch* به معنای چپ دست و آدم ناجور است. در همین فارسی خودمان هنوز بسیاری از مردم راست را درست می‌پندارند و چپ را بد و نادرست می‌دانند. اصطلاحاتی مانند چشم چپ بودن، خواب زن چپ بودن، با کسی چپ افتادن و ... نمونه‌هایی از این طرز تلقی است.

اینکه آیا چپ دستی یا راست دستی (*handedness*) یک صفت یا خصیصه ژنتیکی یا ارثی است یا نه موضوع تحقیقات بسیار بوده است. چپ دستی زمینه ارثی دارد و تا حد زیادی ناشی از فعالیت بیشتر سمت راست مغز است. مردان چپ دست را حدود ده درصد برآورد کرده‌اند و تعداد زنان چپ دست را از این رقم کمتر می‌دانند. در یک بررسی مشاهده شد که حدود ۵ تا ۸ درصد از جنین‌ها در رحم مادر، طرف چپشان را بیشتر حرکت می‌دادند. در خانواده‌هایی که حتی یک والد (بخصوص مادر) چپ دست است، احتمال بروز چپ دستی بیشتر است. اینکه در قرون وسطی افراد طایفه Kerr در اسکاتلند سپر را در دست راست می‌گرفتند و با دست چپ

شمشیر می‌زدند (و البته احتمال زخم خوردن به قلبشان بیشتر بود)، می‌تواند تأییدی بر روند ارثی بودن یا به اصطلاح "خونی بودن" خصیصهٔ چپ دستی باشد. این طایفه راه پله‌های قلعه‌هایشان را هم برخلاف جهت عقربه‌های ساعت ساخته بودند تا شمشیرزنی با دست چپ و سرنگون کردن دشمن برای آنان سهل‌تر باشد.

با این حال، چپ دستی به طور کامل ارثی یا ژنتیکی نیست، بلکه عوامل محیطی رشد و نمو و حتی شرایط اجتماعی و فرهنگی نیز در آن دخالت دارد. کسانی که با دست راست کار می‌کنند معلوم نیست که از بدو تولد راست دست بوده‌اند یا بعداً و به اقتضای شرایط و عوامل محیطی، مانند جبر والدین و آموزگار، راست دست شده‌اند. تشخیص چپ دستی و راست دستی در افراد و اینکه کسی واقعا چپ دست یا راست دست است چندان آسان نیست و نمی‌توان این دو گروه را با اطمینان از هم جدا نمود و به همین دلیل برآورد نسبت این دو گروه در جامعه مشکل است. درصد بسیار کوچکی هم هستند که چپ و راست برایشان یکسان است و فرقی نمی‌کند. امروزه در جوامع پیشرفته‌تر پذیرفته‌اند که چپ دستی مطلقاً عیب نیست و نباید بچه را مجبور کرد تا با دست راست بنویسد. با آنکه هنوز به تحقیق معلوم نیست که آیا حیوانات و دیگر پستانداران نیز ترجیح و گرایش نسبت به یک سمت از بدن خود دارند یا نه، گفته می‌شود که در بعضی حیوانات نیز چپ دستی وجود دارد.

گاهی چپ دست‌ها جنبهٔ یک اقلیت را پیدا می‌کنند، یعنی در عمل با آنها اینگونه برخورد می‌شود و نوعی تبعیض پیش می‌آید. وسایل مختلف را علی‌القاعده برای راست دست‌ها می‌سازند، از وسایل آشپزخانه و قیچی و قلم خودنویس گرفته تا mug قهوه خوری که بر رویش عکس یا نوشته داشته باشد. چپ دست‌ها باشگاه‌ها و فروشگاه‌ها و حتی سایت‌های خاص خودشان را در اینترنت دارند. صفحهٔ اعداد روی keyboard آنها در سمت راست است.

دست دادن و سلام نظامی و دست بر کتاب نهادن برای سوگند و صلیب کشیدن بر روی سینه برای همه یکسان و با دست راست است. برای ارباب کلیسا خوشایند نیست که بچه‌ای با دست چپ روی سینه صلیب بکشد. در هر حال، چپ دست‌ها خیلی خوب خودشان را با دنیایی که برای راست دست‌ها ساخته و پرداخته شده تطبیق داده‌اند. معلوم نیست که راست دست‌ها می‌توانستند به این خوبی خودشان را با دنیایی متفاوت تطبیق دهند.

نخستین بار در ۱۹۷۶ سازمان جهانی چپ‌دستان روز ۱۳ آگوست برابر با ۲۲ مرداد را روز جهانی چپ دست‌ها اعلام نمود و طی چهل سال گذشته از این روز برای بالا بردن سطح آگاهی

عموم نسبت به موضوع چپ دستی در جهان استفاده شده است، جهانی که راست دست‌ها در آن اکثریت چشمگیری دارند.

در یک بررسی که باشگاه چپ‌دستان انگلیس بر روی چهل و پنج هزار عضو چپ دست خود انجام داد، نکات جالبی مشاهده شد. از جمله، در ربوسی کردن، انتخاب گونه اول برای بوسیدن بین چپ دست‌ها و راست دست‌ها فرق دارد و همین امر سبب تصادم بینی‌ها می‌شود! در مهمانی‌ها هم برخی چپ دست‌ها کارد و چنگال را به ترتیب دیگری در دست می‌گیرند و یا اشتباهاً از لیوان پهلو دستیشان می‌خورند! در برخی جوامع، غذا خوردن با دست چپ ناپسند و مذموم است شاید از این نظر که از دست چپ برای تطهیر و شستشو استفاده می‌شود. چپ دست‌ها در سینما و تأثر هم بیشتر دوست دارند در سمت چپ بنشینند. لباس هایشان را هم از طرف دیگر بر سر جالباسی می‌زنند و رو به سمت دیگر آویزان می‌کنند. گاهی گذاشتن پرونده در کابینت و کتاب در قفسه هم جهت دیگری دارد. بستن بند کفش و گره کراوات و بسیاری چیزهای دیگر هم فرق می‌کند.

راست دست‌ها در بازی پوکر ورق را به راحتی از سمت چپ یعنی در جهت عقربه‌های ساعت می‌دهند ولی برای ورق دهنده چپ دست این کار چندان آسان نیست. بسیاری از بازیکنان هم ورق دهنده چپ دست را بدئمن و بد دست می‌دانند و از این رو بعضی کازینوها ورق دهنده چپ دست استخدام نمی‌کنند. جهت باز کردن و خواندن ورق‌ها یا در اصطلاح حرفه‌ای‌ها "ساییدن" ورق‌ها هم برای چپ دست‌ها فرق می‌کند و از این رو ورق‌هایی ساخته‌اند که به جای دو گوشه هر چهار گوشه آن نشانه دارد.

در مورد همبستگی بین چپ دستی و خصوصیات دیگر مطالعات زیادی شده و بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند. در مورد یک همبستگی اتفاق نظر وجود دارد و آن اینکه در میان کودکان ۵ تا ۱۵ ساله بین چپ دستی و "شب ادراری" طبیعی (Primary Nocturnal Enuresis = PNE) همبستگی آماری مثبت وجود دارد و صد البته که یک همبستگی هیچ‌گاه به طور کامل و در تمام موارد صادق نیست. عارضه PNE را از آن جهت طبیعی می‌نامند که نقص فیزیولوژیکی مانند کوچکی مثانه یا عدم تعادل هورمونی و بیماری‌های عفونی یا روانی عامل آن نیست. چپ دستی و "شب ادراری" هر دو روند ارثی دارند و در پسر بچه‌ها بیش از دختر بچه‌ها شایع است. همبستگی دیگر مشاهده نسبت بیشتر افراد مبتلا به عارضه autism در میان چپ دستان است. هورمون مردانه تستسترون در مقادیر زیاد فعالیت بخش راست مغز و لذا

فعالیت سمت چپ بدن را بیشتر می‌کند که احتمالاً یکی از دلایل بیشتر بودن چپ دستی در میان مردان است.

تنی چند از هنرمندان طراز اول جهان که دستی معجزه گر داشته‌اند، از جمله میکل آنژ، لئونارد داوینچی، رافائل، رامبران و پیکاسو چپ دست بوده‌اند. باخ و بتهوون هم چپ دست بوده‌اند. اغلب رؤسای جمهور آمریکا در چند دهه اخیر چپ دست بوده‌اند که در مقایسه با آمار درصد چپ دستی در جامعه تفاوت معنی دار و چشم گیر دارد. هری ترومن و رونالد ریگان هر دو رئیس جمهور در اصل چپ دست بودند، ولی با دست راست می‌نوشتند، شاید به دلیل آنکه در آن زمان غالباً کودکان را وادار به نوشتن با دست چپ می‌کردند.

می‌گویند چپ دست‌ها با هوش ترند ولی هنوز شواهد علمی کافی برای آن وجود ندارد. نشریه فاینانشال تایمز گزارشی داده که تعداد مدیران چپ دست در شرکت های اینترنتی و تکنولوژی تقریباً دو برابر شرکت های غیراینترنتی یا سنتی است. تنی چند از دیگر مشاهیر چپ دست عبارتند از: ناپلئون، لویی شانزدهم، ملکه ویکتوریا، فیدل کاسترو، بیل گیت، ژاندارک، چارلی چاپلین، نیوتن، بتهوون، باخ، پیکاسو، شکسپیر، نیچه، انیشتن و گاندی.

دوست چپ دستم می‌گفت در مدرسه ما تمام صندلی‌ها را برای نوشتن با دست راست ساخته بودند و وقتی موقع امتحان می‌شد من مجبور بودم روی همان صندلی‌ها ولی با ۹۰ درجه تغییر جهت به سمت راست بنشینم تا صفحه زیردستی در سمت چپ قرار بگیرد. البته در این وضعیت می‌توانستم دید بهتری نسبت به ورقه های اطرافیانم داشته باشم!

همین دوست می‌گفت وقتی شانزده ساله بودم برای اولین بار با ترس و لرز دست دختر همسایه را گرفتم، با نومییدی گفتم: "اِه! تو چپ دستی؟"